

بود. هر روز شهید می‌آوردند و شرایط کشور سخت بود و فضا فضایی نبود که شاد باشد. مردم هم مشکلاتشان زیاد بود و امکانات و تفریحات کم بود، بنابراین ما شبکه سه را باهدف جوانان ونشاط راه‌انداختیم.

**• از آن جایی که امام(ره) ششما را به عنوان نماینده خودشان در سازمان صداوسیما معرفی کرده بودند، رابطه امام(ره) با تلویزیون چگونه بود؟**

رابطه امام(ره) با تلویزیون خیلی خوب بود. امام(ره) برنامه‌ها را می‌دیدند و دقت خیلی زیادی داشتند و گاهی تذکر می‌دادند. فکر می‌کنم سال ۶۶ بود که عده‌ای مخالف علیه تلویزیون حرف می‌زدند. در نماز جمعه تهران هم ۱۵ هزار نفر طوماری علیه تلویزیون امضا کردند. آقای محمدی گیلانی در نماز جمعه تهران سخنران بود، صحبت خیلی تندی علیه صداوسیما کرد و من را به اسم خطاب کرد که محمد من تو را می‌شناسم، تو بوجه مسلمانی بودی و این حرف‌هایی که می‌زنی این رساله امام(ره) است و...؟! از این حرف‌ها خلاصه جو خیلی تند شده بود.

**• امام(ره) در برابر این حرف‌ها و شعارهای علیه صداوسیما چه واکنشی داشتند؟**

محمد موقع من نزد امام(ره) رفتم و گفتم آقای امام(ره) گیلانی، عضو فقهای شورای نگهبان علیه من حرف زده آن هم به استناد رساله شما، تکلیف من چیست، چون نمی‌خواهم آخرتم را فدای دنیای دیگران کنم، ما چه کار کنیم. امام(ره) گفتند از من سوال کن و بنویس و من جواب می‌دهم. من مطالبی را نوشتم و امام(ره) یک جواب دادند. «باسم‌های تعالی. نظر نمودن به این قبیل فیلم‌ها نمایشنامه‌ها هیچ یک اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش این‌ها نیز اشکالی ندارد. همین‌طور فیلم‌های ورزشی همین‌طور آهنگ‌ها اکثرای اشکال است. گاهی خلاف به‌طور نادر دیده می‌شود که باید بیشتر مواظبت کرد لکن دو نکته باید مراعات شود اول آن که کسانی که گرمی می‌کنند باید محرم باشند و اجنبی حرام است چنین کاری را انجام دهد دوم آن که بینندگان از روی شووت نظر نکنند. روح‌الله موسوی خمینی» من از امام(ره) در مورد قضیه گرمی پرسیدم و ایشان گفتند من تیزتر اول و آخر برنامه را نگاه کردم و گاهی با زیگر زن وارد و گرمی‌وزن نادرید و بالعکس و من توضیح دادم که اگر اجنبی این کار را انجام می‌دهد این کار را دیگر نکند. ببینید دقت امام(ره) در این حد بود که تیزتر را می‌خواندند. شخصا خود من تا آن سال که ۸سال بود مدیرعامل بودم، چنین دقتی نداشتم.

**• آیا خودتان برای پخش برنامه‌ها تصمیم می‌گرفتید یا با امام(ره) مشورت می‌کردید؟**

امام(ره) هم رادیو گوش می‌دادند و هم تلویزیون نگاه می‌کردند و اگر موارد خلافی می‌دیدند به من تذکر می‌دادند. امام(ره) به من گفته بودند هر وقت مسوالی بیای و به همین دلیل من دیدار ادواری با ایشان داشتم و زیاد به خدمتشان می‌رسیدم. در این دیدارها هم مطالبی که به نظرشان می‌آمده به من می‌گفتند، اما در مسائل سیاسی برنامه‌های تلویزیونی به هیچ‌وجه امام(ره) اظهار نظر نمی‌کردند و بیشتر در رابطه با بعد اجتماعی یا دینی، مسائل و کمپوهای رادیو و تلویزیون رانقد می‌کردند.

**• بعد از انقلاب اسلامی سبک برنامه‌های صداوسیما متحول شده بود. آیا باز هم برنامه‌ها مشکلات اخلاقی داشتند؟**

قبل از انقلاب در رابطه با زندگی ناصرالدین‌شاه، سربالی به نام سلطان صاحبقرانیه ساخته بودند. در این سریال فصل مهمی به زندگی امیر کبیر اختصاص داشت. در دوران ریاست من در صداوسیما به سالگرد امیرکبیر که رسیدیم، چچه‌ها از سریال سلطان صاحبقرانیه یک ساعت برنامه درآوردند که به مناسبت

حجایی نداشت. همین موضوع باعث شد طومار ی علیه مابنویسند، با این عنوان «اشک تمساح اشک مومنین را درآورد». در نماز جمعه هم ۱۵ هزار نفر آن را امضا کردند و خواستار قطع پخش سریال اشک تمساح شده بودند. همان موقع من رفتم خدمت امام(ره) و از ایشان پرسیدم که چه باید کرد؟ ایشان فرمودند به نظرم لیبرال‌ها، طومارنویسان را هم فریب داده‌اند. اما در نهایت جو بالاگرفت و شورای سرپرستی هم دستور قطعش را داد. همان زمان در مورد پخش این سریال از خبرگانی سوال شد و آنها گفتند که ممکن است در تولید سریال خلاف شرع واقع شده باشد، ولی پخش سریال خلاف شرع نبوده است. من دوباره نزد امام(ره) رفتم و از ایشان پرسیدم، آقایین تأنثن چیست و ایشان فرمودند آن زن و مردی که نشسته بودند دور میز و با یکدیگر صحبت می‌کردند، اگر محرم نبودند، خلاف شرع است. اما پخش این سریال خلاف نبوده است.

**• امام(ره) خیلی دقیق و ریزبینانه مسائل و مشکلات تلویزیون را نقد و بررسی می‌کردند. در برنامه‌های سیاسی که از تلویزیون پخش می‌شد، امام(ره) به چه نکاتی توجه داشتند.**

امام(ره) درباره برنامه‌های سیاسی تلویزیون به‌ندرت اظهارنظر می‌کردند. آن زمان ما در صداوسیما یک شورای سیاسی داشتیم که این شورا متشکل از ۱۵ نفر از نمایندگان مختلف نهادهای مثل وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، قوه مجریه، احزاب و روزنامه‌نگاران بود که بحث‌های سیاسی در رابطه با برنامه‌های تلویزیونی در این شورا مطرح می‌شد و هیچ‌وقت هم مشکلی نداشت. هیچ‌گاه ما را در رابطه با مسائل سیاسی برنامه‌ها منع نمی‌کردند، به غیر از یک مورد که آن هم در زمان ریاست من نبود.

**• منع سیاسی چه بود؟**

یک هیأت A نقره از رؤسای جمهوری کشورهای منطقه برای میثاجی گری جنگ به تهران آمده بودند. در آن هیأت محمد ضیاءالحق هم حضور داشت. رادیو یک برنامه‌ای گذاشته بود و ضیاءالحق را ضیاءالباطل اعلام کرده بود. این موضوع در ذهن مانده بود و هر وقت می‌خواستند برنامه‌های رادیو و تلویزیون را نقد کنند، می‌گفتند: «همان دعوت می‌کنند، فحشش می‌دهند.» خیلی به این مسائل اهمیت می‌دادند و دوست نداشتند به شخصیتی توهین شود.

**• بعد از آن تحال ششما سال دیگر هم رئیس سازمان صداوسیما بودید و بعد از شما آقای علی لاریجانی رئیس سازمان صداوسیما شدند. می‌دانم شما در مراسم تودیع خودتان و معارفه آقای لاریجانی شرکت نکردید، چرا؟**

بله، آقای لاریجانی یک ماه قبل از من و ۱۰ (سال بعد از من، رئیس صداوسیما بود. شرکت نکردن من در مراسم تودیع و معارفه دلیل خاصی نداشت. کارکنان سازمان به من خیلی علاقه داشتند و می‌خواستند مراسم تودیع و معارفه مفصل برگزار شود. از ابتدا قرار بود تودیع جدا باشد و معارفه جدا. اما معارفه مقداری جنبه دستوری به خودش گرفته بود و من فکر کردم اگر بخواهم در این مراسم شرکت کنم، ممکن است شلوغ و حرف‌هایی بیان شوند. ممکن بود در مراسم تودیع برخی از همکاران حرف‌هایی بزنند و فضا متشنج شود، بنابراین حرمت آقای لاریجانی را حفظ کردم و خواستم فضا آرام باشد که در این مراسم شرکت نکردم.

**• در آخرین بخش گفت‌وگو بر گردیم به زمان حال. خانواده هاشمی نقش‌های مختلفی در نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد نقش شما و خانواده هاشمی دختران و پسران آیت‌الله بعد از فوت کمرنگ شده‌اید.**

این موضوعی که می‌فرمایید وجود دارد. دلیل آن

موضوعاتی که به نفع‌شان بود از آیت‌الله استفاده کنند، ایسن کار را می‌کردند. به‌عنوان مثال ایشان فرامنده جنگ بودند و زمانی که هفته دفاع مقدس می‌شود، نامی از ایشان برده نمی‌شود و تصویری نیز از ایشان دیده نمی‌شود. به‌هر حال وقتی از فرمانده جنگ نامی برده نشود، مشخص می‌شود که چه دیدگاهی در این زمینه وجود دارد. یاد دهه فجر. محور دهه فجر جناب هاشمی بودند و حکم آقای بازرگان را به ایشان دادند تا در جمعی که آقای بازرگان و حضور داشتند، بخوانند. اما دهه فجر که می‌شود، نامی از آقای هاشمی برده نمی‌شود. خانواده ایشان هم مشمول این مهرورزی شده‌اند. (با خنده)

**• آیت‌الله هاشمی موسس دانشگاه آزاد بودند، اما اکنون به نظر می‌رسد در دانشگاه آزاد به نوعی هاشمی‌زدایی صورت می‌گیرد. شما فکر نمی‌کنید که می‌توانید جلوی این جریان را در دانشگاه آزادبگیرید؟**

ما هیچ ابزار یا امکان عملی در دانشگاه آزاد نداریم. به‌هر حال دانشگاه آزاد رئیس و رئیس هیأت‌امنا و هیأت‌امنا دارد و از نظر ساختاری نیروهایش تکمیل است و این گونه نیست که ما بتوانیم در کارهای آنها دخالتی کنیم یا راه‌نمودی در آن داشته باشیم. تمام این مسائل در امتداد هم هستند و جریان‌های حذف جناب هاشمی است. متأسفانه با مدیران آقای هاشمی در مجمع نیز برخورد بسیار بدی شده است و برخی از آنان نیز حذف شده‌اند. برخی از آنها کارمند بودند و زندگی‌شان به حقوق و کارشان بستگی داشته است و منابع دیگری برای امرام معاش نداشتند و حال بسیار تحت فشار قرار گرفته‌اند و حقوق آنها قطع شده است. به‌هر حال این جریانی است که ادامه دارد و ما هم طلب و توقعی از کسی نداریم. اما آقای هاشمی سهم بزرگی در پیروزی انقلاب و تثبیت نظام داشته و توقع این است که به مدیران ایشان نامهربانی‌ت‌این حد نشود. همه اینها متأسفانه توسط کسانی انجام می‌شود که خودشان از مدعیان و کارمندان آقای هاشمی بودند و شاید بسیاری از امکانات و شرایطی که دارند به خاطر آقای هاشمی است، ولی حالا که در صدر امور قرار گرفته‌اند، این‌گونه عمل می‌کنند.

**• شما تجربه زیادی در جنبش‌های دانشجویی دارید، آیا جنبش‌های دانشجویی دانشگاه آزاد می‌توانند کاری کنند که این هاشمی‌زدایی اتفاق نیفتد؟**

در حال حاضر جنبش‌های دانشجویی دوگانه‌اند. حرکت‌هایی در دانشگاه تحت عنوان بسیج هست که آنها کمتر حاضرند در مسورد آقای هاشمی سرمایه‌گذاری کنند. برخی از حرکت‌ها دانشجویان هستند که با محدودیت‌ها و معذورت‌هایی مواجه‌اند و نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. وقتی سیاست و استراتژی بر این باشند، دیگر افراد کمتر می‌توانند در برابر این موج بایستند. ما اطلاع داریم حتی اخیراً حدود یک‌ماه پیش کتلی علیه ایشان در شهرها و روستاهای مختلف منتشر کردند. بعد از رحلت ایشان، اتهامات زیادی در این کتاب به ایشان زده‌اند.

**• واکنشی نشان ندادید؟**

چه کاری از ما برمی‌آید؟ می‌گویند فردی به ته‌جاه رفته بود و صدا می‌کند و کمک می‌خواهد، شخصی دیگری می‌گوید، سر کن تا منساب بیارم و نجات دهم. آن فردمی‌گوید اگر صبر نکنم چه کار کنم؟

**• با این همه هاشمی‌زدایی در کشور و شهر آیا برای تغییر نام بزرگراه نیایش به بزرگراه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مشکلاتی پیش نیامد؟**

کارشکنی‌ای نشد؟

در ابتدای انجام این کار خیلی تمایلی وجود نداشت و در شورای شهر چهارم بحث‌هایی شده و مخالفت‌هایی هم صورت گرفته بود، حتی مکان‌هایی برای ثبت‌نام ایشان مخالفت کرده بودند. اما در آن زمان اتفاق نیفتاد. بعد از انتخابات که وضع جدیدی پیش آمد و اعضای شورای شهر تغییر و حرکتی کردند، نام این بزرگراه به آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی تغییر کرد.

**• چالشی که اکنون در سیاست خارجی کشور وجود دارد قطع رابطه ایران با عربستان است. با این حال، در دوران حیات آیت‌الله هاشمی، ایشان سیاستمدار اخلاق‌مداری بودند که در روابط ایران با دیگر کشورهای منطقه نقش زیادی داشته‌اند. استراتژی ایشان در تعامل با کشورهای همسایه چه بود؟**

تدبیر آقای هاشمی برای بحران منطقه مبتنی بر تعامل سازنده و حفظ منافع متقابل بود. او هیچ‌وقت یک‌جانبه به روابط با کشورها نگاه نمی‌کردند. وقتی تصمیم می‌گرفت کاری انجام شود، نگاهشان یک نگاه دوجانبه و دوطرفه بود. مثلاً اگر به ادبیاتی را که نگاه کنی، منوجه می‌شویید تمام محور حرف‌های او بر مبنای این بوده است که ما دو کشور چگونه رفتار کنیم. حتی یکبار در نامه‌هایش از لفاظی توهین‌آمیز استفاده نمی‌کرد با همه این‌که درگیر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بودیم، باز هم صدام را به‌عنوان یک فرد جنگ‌طلب یا کسی که باعث کشته‌شدن جوانان ایرانی شده بود، خطاب نمی‌کرد. وقتی مینا براساس صلح و تعامل و اصلاح بود، ادبیاتی که استفاده می‌کردند این‌گونه بود. در مسائل آتش‌بس با عراق تدبیر دیگری که ایشان به خرج دادند این بود که وقتی عراقی‌ها پیشنهاد دادند ما افرادی را در زمین و آب‌های ایران قرار بدهیم و بعد مرزهایمان را مشخص کنیم، او جواب داد که این مسأله زمان‌بر است و اگر می‌خواهید کاری انجام شود، همان معاهده ۱۹۷۵ را که بین ما بود و پارانش کردید، به رسمیت بشناسیم. در نهایت نیز صدام جواب داد که این پیشنهاد را می‌پذیرد.

**• در حال حاضر عربستان و کره‌شمالی دو کشور خبرساز در زمینه سیاست خارجی هستند. آقای هاشمی در اوایل دهه ۶۰ سفری به عربستان و کره‌شمالی داشتند و با سران این دو کشور دیدار کردند. فکر می‌کنید اگر آیت‌الله هاشمی هنوز در قید حیات بودند، چه استراتژی در روابط ایران با کشورهای منطقه داشتند؟**

در دهه ۷۰ که کنگرانیس اسلامی در پاکستان برگزار شده بود که آقای هاشمی در آن شرکت کرد. در آن زمان امیرعبدالله که هنوز ولیعهد عربستان بود نیز در این کنگرانس حضور داشت. ما و امیر عبدالله

رفتاری کرد که او شسیفته آیت‌الله هاشمی شد. فکر کنید اخوی بنده به‌عنوان رئیس جمهوری ایران و امیر عبدالله به‌عنوان ولیعهد عربستان بود، اما با همه اینها خود آیت‌الله در خواست دیدار با ولیعهد عربستان را کرده بود. اتفاقی که باعث می‌شود حتی امیر عبدالله دستپاچه شود و راه می‌افتد به سمت آقای هاشمی که وسط راه به هم برسند. بنابراین اگر هنوز هم در قید حیات بودند، اگر ماموریت یا مسئولیتی در روابط ایران با کشورهای خارجی داشتند، به‌طور قطع به بهترین شکل بحران منطقه را خاموش می‌کردند.

**• آیت‌الله‌هاشمی از معدود سیاستمداران‌ی بود که یادداشت‌های روزانه داشت. قطعاً گنجینه‌ای است، حال بخشی قابل انتشار است و بخشی ممکن است زندگی شخصی ایشان باشد. تمایلی برای چاپ و انتشار این یادداشت‌ها دارید؟ اصلاً فکر می‌کنید در شرایط کنونی برای چاپ نوشته‌های آیت‌الله مجوز می‌دهند؟**

تا‌حال تجربه نکرده‌ایم که بدانیم می‌توانیم مجوز برای چاپ بگیریم یا خیر؟ این موضوع به محسن آقا فرزند آیت‌الله سپرده شده، چون وصی ایشان محسن آقا است که چاپ این خاطرات ادامه پیدا کند. هنوز بعد از فوت آیت‌الله کتایی در این زمینه چاپ نشده‌است.

**• در نامه خاصی برای سالگرد ایشان در نظر گرفته‌اید؟**

برنامه پیش‌بینی شده است. یک کنگره یا همایش در یک روز برگزار می‌شود و در روز فوت ایشان هم مراسمی در حرم امام(ره) که محل دفن‌شان است، برگزار می‌کنیم. در این همایش بحث‌هایی درباره موضوعات مختلف مطرح می‌شود.

**• آن طور که برادرزاده‌تان خانم فائزه هاشمی گفته‌اند خودشان و برادرانشان ممنوع‌الخروج هستند. آیا ششما هم ممنوعیتی از این قبیل دارید؟**

برای بنده که این اتفاق نیفتاده است، اما شنیده‌ام که فائزه و عماد پسر محسن آقا و آقا یاسر ممنوع‌الخروج شده‌اند.

**• آقای هاشمی آیا فرزندان شما هم وارد عرصه سیاست شده‌اند؟**

نه، فرزندان من در این عرصه حضور ندارند. معمولاً وادی سیاست برای امثال ما به گونه‌ای است که وقتی یک نفر وارد آن می‌شود بقیه توبه می‌کنند. فرزندان بده درس می‌خوانند و دانشگاه می‌روند و جزو افراد عادی جامعه‌هستند.

**• خودشان هم علاقه‌ای به ورود به عرصه سیاست‌نداشتند؟**

من در هیچ زمینه‌ای برای آنها مانع نشده‌ام و خودشان را، و هدفشان را انتخاب کرده و می‌کنند. اما وقتی وضع زندگی ما را می‌بینند، درس عبرتی برایشان است.

**• عملکرد دولت دوازدهم**

**را چگونه می‌بینید؟**

دولت دوازدهم تازه تشکیل شده است و تغییرات در دولت دوازدهم هنوز چندان چشمگیر نیست. اما حدود نیمی از کسانی که در دولت قبل بودند، هنوز در برخی موارد کارهایی انجام می‌شود

که از نظر من

پسندیده نیست.

کشور ما قومیت‌ها و

شهرهای مختلف وجود

دارد، اما در گزینه

انتخاب مسئولان

آن گونه که باید و شاید

طبق خواسته مردم

عمل نمی‌شود. یعنی

ما استانی داریم به نام

استان فارس و افراد

بسیار باتجربه، مدیر،

مدیر، تحصیل‌کرده و

دانشمند در آن استان

حضور دارند و یکی از

کانون‌هایی در کشور

است که نیروهای بسیار

خوب تربیت می‌کند، اما

دولت، استاندار فارس را

غیربومی انتخاب کرده

که به نظرم نوعی توهین

به اهالی این استان

است. استانی که تعداد

زیادی نیرو برای جامعه

تربیت کرده است،

حالا نباید استاندارش

غیربومی باشد. این‌موضوع

بسیاری از استان‌ها

اتفاق افتاده که به‌نظرم

نقطه‌ای منفی برای دولت

و خلاف انتظار مردم از دولت

است. افراد بومی بهتر و دقیق‌تر

مشکلات استان‌شان را می‌شناسند

و بهتر می‌توانند در جهت رفاه و

آسایش مردم‌شان تلاش کنند. به

تعبیر من سیاست غیربومی، سیاست

درستی نیست.

**• ششما یکسار کاندیدای**

**ریاست جمهوری شده‌اید؟ سال ۱۴۰۰**

**کاندیدای ریاست جمهوری می‌شوید؟**

بنده بنایی برای رئیس جمهوری ندارم. در سال ۹۶ هم به دلیل آن که نظر مرحوم آیت‌الله عملی نشده بود، اقدام به ثبت‌نام کردم.

**• آقای هاشمی‌هاور مردم این است که خانواده هاشمی ثروتی افسانه‌ای دارند. حتی یک زمانی این‌قدر این حرف بین مردم می‌چرخید که هر جایی برج یا ساختمان عظیمی ساخته می‌شد بدون این‌که بدانند مال کیست به خانواده آقای هاشمی نسبت داده می‌شد. شما به‌عنوان یک عضو خانواده هاشمی به ما بگویید که آیت‌الله هاشمی چقدر تمکن مالی داشت؟**

آقای هاشمی به اندازه امرام معاش و هزینه‌های زندگی خودشان پول داشتند. قبل از انقلاب هم جناب هاشمی سرپرستی خانواده‌های حدود هزار نفر از زندانیان را برعهده داشتند که مبالغش با متعلق به خودشان بود یا توسط برخی اشخاص حمایت می‌شدند. حتی منزل ایشان، منزل شخصی نبود. فرزندان‌شان هم مختصر چیزی دارند و آن گونه نیست که در بین مردم شهرت پیدا کرده است. اما دشمن بیکار نمی‌شنسینند و از راه‌های مختلف سعی می‌کند ضربه خود را بزند. در سال‌های اخیر درباره آیت‌الله مسائل دیگری نیز می‌شنیدیم. شنیده بودیم که گفتند این خانواده خوردند و بردند و کاری هم برای مردم کردند و نوش‌جان‌شان. اما حالا می‌خورند و کاری هم نمی‌کنند. آقای هاشمی نه تروتمند به آن معنای و نه بی‌مال بودند. به‌هر حال روحانی‌ای بود که تظاهر نمی‌کرد و برای زندگی شخصی‌اش امکاناتی از آن باغ پسته‌ای که داشت، فراهم کرده بود. در استان کرمان حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار هکتار باغ پسته وجود دارد که

گفته‌اند خودشان و برادرانشان ممنوع‌الخروج هستند. آیا ششما هم ممنوعیتی از این قبیل دارید؟

برای بنده که این اتفاق نیفتاده است، اما شنیده‌ام که فائزه و عماد پسر محسن آقا و آقا یاسر ممنوع‌الخروج شده‌اند. **• ۱۵۰ هکتار باغ پسته هم باید در آمد خوبی داشته باشد.** **• ۱۰ خانواده از ۱۵۰ هکتار. مثلاً سه‌سهم من ۱۵ هکتار است. فکر می‌کنید ۱۵ هکتار چقدر پسته می‌دهد. مثلاً فرض کنید محصول پسته من در سال ۴۰۰ میلیون تومان می‌شود. که از این پول ۲۰۰ میلیون تومان من خرج خودم می‌شود و تنها ۲۰۰ میلیون بقیه‌ای می‌ماند.**

ببینید خانواده آقای هاشمی که می‌گویم یعنی سهم ۱۰ خانواده از ۱۵۰ هکتار. مثلاً سه‌سهم من ۱۵ هکتار است. فکر می‌کنید ۱۵ هکتار چقدر پسته می‌دهد.

مثلاً فرض کنید محصول پسته من در سال ۴۰۰ میلیون تومان می‌شود. که از این پول ۲۰۰ میلیون تومان من خرج خودم می‌شود و تنها ۲۰۰ میلیون بقیه‌ای می‌ماند.

